

فهرست

درسنامه	تست	درسنامه	تست	درسنامه	تست	درسنامه	تست
۲۶۴	۲۵۹	درس هشتم	احیای ارزش‌های راستین	۱۶	۸	درس اول	هدف آفرینش
۲۷۹	۲۷۰	درس نهم	عصر غیبت	۲۹	۲۱	درس دوم	پر پرواز
۲۹۴	۲۸۷	درس دهم	مرجعیت و ولایت فقیه	۴۳	۳۷	درس سوم	پنجره‌ای به روشنایی
	۳۰۱	بخش دوم	در مسیر	۵۸	۵۰	درس چهارم	آینده روشن
۳۰۸	۳۰۲	درس یازدهم	عزت نفس	۷۲	۶۷	درس پنجم	منزلگاه بعد
۳۱۸	۳۱۳	درسدوازدهم	پیوند مقدس	۸۳	۷۸	درس ششم	واقعه بزرگ
		دین و زندگی دوازدهم		۹۶	۸۹	درس هفتم	فرجام کار
	۳۲۵	بخش اول	تفکر و اندیشه	۱۱۰	۱۰۳	درس هشتم	آهنگ سفر
۳۳۲	۳۲۶	درس اول	هستی‌بخش	۱۲۱	۱۱۵	درس نهم	دوستی با خدا
۳۴۷	۳۳۸	درس دوم	یگانه‌بی‌همتا	۱۳۵	۱۲۸	درس دهم	یاری از نماز و روزه
۳۶۰	۳۵۳	درس سوم	توحید و سبک زندگی	۱۴۶	۱۴۲	درس یازدهم	فضیلت آراستگی
۳۷۳	۳۶۵	درس چهارم	فقط برای تو	۱۵۴	۱۵۰	درسدوازدهم	زیبایی پوشیدگی
۳۸۵	۳۷۹	درس پنجم	قدرت پرواز			دین و زندگی یازدهم	
۴۰۱	۳۹۱	درس ششم	سنت‌های خداوند در زندگی	۱۶۰		بخش اول	تفکر و اندیشه
۴۰۸		بخش دوم	در مسیر	۱۶۸	۱۶۲	درس اول	هدایت الهی
۴۱۵	۴۰۹	درس هفتم	بازگشت	۱۸۲	۱۷۴	درس دوم	تداوم هدایت
۴۲۸	۴۲۱	درس هشتم	زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی	۱۹۶	۱۹۰	درس سوم	معجزه جاویدان
۴۴۲	۴۳۳	درس نهم	پایه‌های استوار	۲۱۰	۲۰۲	درس چهارم	مسئولیت‌های پیامبر ﷺ
۴۵۵	۴۴۸	درس دهم	تمدن جدید و مسئولیت ما	۲۲۷	۲۱۹	درس پنجم	امامت، تداوم رسالت
				۲۴۳	۲۳۶	درس ششم	پیشوایان اسوه
۴۶۱		سؤالات پایه دهم و یازدهم	کنکور سراسری ۹۸			درس هفتم	وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان
۴۷۱		پاسخنامه کلیدی		۲۵۳	۲۴۸	پس از رسول خدا ﷺ	

فرد و پرواز

هدف کلی

تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی

مفاهیم اصلی

اختیار

تقدیر الهی

قضای الهی

علل طولی

علل عرضی

سوالات اصلی درس

در این درس، به بررسی و پاسخ این سوال‌ها خواهیم پرداخت که:

- ۱- با توجه به این که همه رخدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟
- ۲- آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟
- ۳- در این نظام که با اراده الهی اداره می‌شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

توضیح

این جهان گواهی می‌دهد که یک اراده بر آن حاکم است و این اراده با حکمت و تدبیر خود، جهان را اداره می‌کند و این مفهوم با اختیار انسان منافات ندارد.

این درس به رابطه توحید در ربویت و اختیار انسان می‌پردازد. با توجه به توحید در ربویت می‌گوییم: نظام منقن و به هم پیوسته و هماهنگ

اختیار، حقیقتی و جدانی و مشهود

تفاوت میان افعال اختیاری و غیراختیاری

▪ میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم زدن، تفاوت اساسی وجود دارد. همچنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد، اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری وتابع اراده انسان است.

مفهوم اختیار و مشهود بودن آن برای انسان

▪ اختیار، به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
 ▪ اختیار یک حقیقت و جدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
 ▪ حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

می‌فشنند آن میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمت، بگو چه می‌کنی؟
می‌خورد خرما که حق کرده عطا
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
می‌کشی این بی‌گنه را زار زار
می‌زند بر پشت دیگر بندهاش
من غلام و آلت فرمان او
اختیار است، اختیار است، اختیار

آن یکی می‌رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی
گفت: از باغ خدا بنده خدا
پس ببستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
گفت: کز چوب خدا این بندهاش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او
گفت تو به کردم از جر ای عیار

در این ابیات، شاعر به مشهود و جدانی بودن اختیار اشاره دارد و می‌گوید حتی اگر کسی در سخن آن را انکار کند، در عمل می‌فهمد که موجودی مختار است. شاعر یک دزد را مثال می‌زند که دزدی خود را به پای بخشش الهی می‌گذارد که خدا به او بخشیده و اختیار خود را انکار می‌کند، اما هنگامی که با مجازات عمل خود مواجه می‌شود، می‌فهمد که نمی‌تواند اعمال اختیاری خود را با انکار اختیار و جبری بودن اعمالش توجیه نماید.

این ابیات با اشاره به مجازات فرد گناهکار، بیانگر «مسئولیت‌پذیری» از نشانه‌های اختیار نیز می‌باشد.

اختیار نداشتن مادرهه امورا

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست.

مثال هیچ‌یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گرددخ خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می‌شود.

۱- توضیح

حقیقت وجودی اختیار روش و غیر قابل انکار است؛ زیرا کسی که آن را انکار می‌کند، در همان حال اثبات می‌کند که این انکار را آگاهانه و از روی اختیار انجام داده است.

البته انسان در همه امور اختیار ندارد ولی همین قدرت اختیار محدود وجودی بودن اختیار؛ اختیار حقیقتی وجودی است. «وجودان» به معنی یافتن است و به گرایش‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیاتی از انسان که هر انسان آن را در خود می‌یابد، «وجودانی» می‌گویند.

شواهد وجود اختیار

با وجود روشن‌بودن اختیار و بینایی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

۱- تفکر و تصمیم

هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جواب آن را می‌سنجدیم و سپس دست به عمل می‌زنیم.

گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدامیک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.

این‌که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

این بیت می‌گوید این‌که انسان از میان چند راه برای انجام‌دادن، دچار تردید است و یکی را باید انتخاب کند، دلیل و نشانه اختیارش است.

۲- احساس رضایت یا پشیمانی

هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندي وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانه آن است که آن کار را از خود و نتیجه اراده و تصمیم عاقلانه خود می‌دانیم.

گاه نیز در کاری مرتكب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشتم.

گر نبودی اختیار این شرم چیست
این دریغ و خجلت و آزم چیست؟
وان پشیمانی که خوردی زان بدی
ز اختیار خویش گشته مهتدی

بیت اول می‌گوید که اگر انسان اختیار نداشت، دچار شرم، ناراحتی، افسوس و حسرت نمی‌شد و در بیت دوم می‌گوید که پشیمانی حاصل از عمل بدی که مرتكب شده، او را به داشتن اختیار هدایت می‌کند.

۳- مسئولیت‌پذیری

هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم.

عهده‌ها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا
ور نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

هیچ کس اشیای بی‌اختیار مثل سنگ و کلوخ را سرزنش و مجازات نمی‌کند؛ زیرا نظام پاداش، جزا و مسئولیت‌پذیری برای انسان که موجودی مختار است، معنا دارد.

نتیجه

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بپیماید: ﴿إِنَّهُ دَيْنُنَا السَّبِيلُ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾

(۲) احساس رضایت یا پشیمانی: احساس رضایت در صورت موفقیت و احساس نداشت در صورت زیان‌رساندن به خود و دیگران

(۳) مسئولیت‌پذیری: پذیرش آثار و عواقب عمل خود، جبران زیان‌های وارده، استواری عهده‌ها و پیمان‌ها، نظام پاداش‌ها و مجازات‌ها.

۱- توضیح

در هر یک از نشانه‌های اختیار موارد زیر مطرح می‌شود:

(۱) تفکر و تصمیم: اندیشیدن، سنجیدن جواب کار، دچار تردید شدن، انتخاب یک کار از میان چند راه



هم چنین از کلمه «به همین جهت» می‌فهمیم: خود را مسئول کارهای خود دانستن: علت و پذیرش آثار و عواقب عمل خود: معلوم و نتیجه آن است.

-۲- **ربطه علت و معلولی**
از کلمه «زیرا» می‌فهمیم: کار اشتباه را از خود دانستن به دلیل اختیار: علت و احساس ندامت و پشمیمانی از آن کار: معلوم و نتیجه آن است.

اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيلَ
فَلِسْفَهُ نَبُوتَ، نَشَانَ دَادَنَ رَاهَ

اَمَا شَاكِرًا وَ اَمَا كَفُورًا:
قَدْرَتْ اخْتِيَارَ انسَانَ

سورة انسان، آیه ۳
اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيلَ
ما راه را به او نشان دادیم.
إِنَّا شَاكِرًا وَ إِنَّا كَفُورًا
يا سپاس گر خواهد بود يا ناسپاس.
تناسب میان هدایت انسان و قدرت اختیار او

۱- **اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيل:** خداوند متعال، با ارسال رسولان و ازال کتب آسمانی راه را به انسان نشان داد. در حقیقت، فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است.

۲- **اَمَا شَاكِرًا اَمَا كَفُورًا:** اصلی ترین قسمت آیه، همین عبارت است.

انسان خودش مختار است که يا راه هدایت و راهنمایی خداوند را انتخاب کند و بدین ترتیب سپاس‌گزار و شاکر باشد و يا راه گمراهی را انتخاب نماید و از لطف و هدایت الهی بهره نبرد و ناسپاس باشد. در حقیقت، شکرگزاری يا کفران، به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد. پیام اصلی این آیه، قدرت اختیار انسان است، نه هدایت او.

۳- **ارتباط مفهومی:** این آیه با آیات: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيْكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ يَسِّرَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ و ﴿فَدَجَاءُكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فِيْنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيْ فَعَلَيْهَا﴾ هم مفهوم است و هر دو بیانگر اختیار انسان است.

۴- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۲. دهم) یکی از سرمایه‌های انسان، قدرت اختیار است. خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۵- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۱. یازدهم) هدایت خداوند، از مسیر دو ویژگی عقل و اختیار انسان می‌گذرد، یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد تا انسان‌ها با تفکر در آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کنند. بنابراین با کنار هم قرارگرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سوال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارابودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند اما در این صورت زیان خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده است.

۶- **نکته ترکیبی (۳):** (درس ۲. دوازدهم) آیه: ﴿اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيل﴾ بیانگر توحید در روایت است.

در آیات زیر تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدامیک از شواهد و نشانه‌های وجود اختیار در انسان را بیان می‌کند؟

- ۱- «قد جاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فِيْنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيْ فَعَلَيْهَا»: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتن به سوی شما آمده است. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوت و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوت. این آیه بیانگر این است که خداوند، رهنمودها و دلایل روشن خود را برای ما انسان‌ها می‌فرستد و این انسان است که باید براساس تفکر و تصمیم با این رهنمودها مواجه شود. او هم می‌تواند این دلایل روشن را نادیده بگیرد و تصمیم به مخالفت و نادیده‌گرفتن آن‌ها بگیرد و هم می‌تواند با تفکر و تصمیم درست، دست به انتخاب صحیح زند و به نفع خویش گام بردارد. اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری نشانه‌های از اختیار انسان است.
- ۲- «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيْكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ يَسِّرَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»: این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست [او نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. این آیه، اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است. اشاره خداوند به این مطلب نشان از اختیار انسان است. زیرا اگر انسان اختیاری در انجام اعمال خود نداشت، یقیناً مسئول کردار خود نیز نبود و نباید به خاطر این رفتارها مجازات می‌شد.

سوره انعام، آیه ۱۵۴

قد جاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ
بِه راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتن به سوی شما آمده است.
فَمَنْ أَبْصَرَ فِيْنَفْسِهِ
پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوت
وَ مَنْ عَمِيْ فَعَلَيْهَا
و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوت.
قدرت تفکر و تصمیم‌گیری از نشانه‌های اختیار انسان

۱- **قد جاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّنْ ربِّكم:** این عبارت می‌گوید که رهنمودها و دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده است، یعنی خداوند، انسان را هدایت کرده است و راه درست را به او نشان داده است: ارزانی شدن یا نزول رهنمودها و دلایل روشن الهی بر انسان.

۲- فمن ابصـر فلـنـفـسـه: این عبارت، بیانگر اختیار انسان با قدرت نظر و تصمیم در قبول این رهنماوهاست. سود ایمان و ثمره پذیرش دلایل روشن الهی به خود انسان برمی‌گردد و انسان‌ها در انتخاب راه آزادند. کسی که بصیرت دارد و چشم دل را بر رهنماوهای الهی باز می‌کند، خودش از ثمرات آن بهره می‌برد.

۳- و من عـمـی فـعـلـیـهـا: این عبارت نیز بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در رد این دلایل روشن است. زیان کفر و نافرمانی از خداوند، به خود انسان برمی‌گردد.

کسی که چشم دل را بر روی حقیقت می‌بندد، کور است و خودش زیان می‌بیند.

۴- ارتباط مفهومی: این آیه با آیه: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفُورًا» ارتباط دارد و هر دو بیانگر اختیار انسان در قبول یا رد هدایت الهی است. هم‌چنین با آیه: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ» نیز مرتبط است و هر دو بیانگر اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش است.

۵- نکته ترکیبی: (درس ۲. دوازدهم) نزول دلایل روشن بر انسان و عبارت: «مَنْ رَتَكَمْ» در این آیه، هر دو بیانگر توحید در ریوبیت است. هم‌چنین عبارت: «فمن ابصـر فـلـنـفـسـهـ وـ منـ عـمـیـ فـعـلـیـهـاـ» با عبارت «هـلـ يـسـتـوـىـ الـاعـمـیـ وـ الـبـصـیرـ» ارتباط دارد و در هر دو، کسی که دل خود را بر حقیقت بندد، کور و هر کس چشم دل را بر حقیقت باز بگذارد، بینا نامیده شده است.

سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

ذلـكـ بـماـ قـدـمـتـ آـيـدـيـگـمـ

علـتـ آـتـشـ دـوزـخـ،ـ گـناـهـانـ اـخـتـيـارـيـ اـنـسـانـ

وـ آـنـ اللـهـ لـيـسـ بـظـلـامـ لـلـعـبـيدـ

ظـلـمـنـكـرـدـنـ خـدـاـ بـهـ بـنـدـگـانـ

ذلـكـ بـماـ قـدـمـتـ آـيـدـيـگـمـ

اـيـنـ [ـعـقوـبـتـ]ـ،ـ بـهـ خـاطـرـ كـرـدـارـ پـيـشـينـ شـماـستـ

وـ آـنـ اللـهـ لـيـسـ بـظـلـامـ لـلـعـبـيدـ

[ـوـ نـيـزـ بـهـ خـاطـرـ آـنـ استـ]ـ كـهـ خـداـونـدـ هـرـگـزـ بـهـ بـنـدـگـانـ سـتـنمـ كـنـدـ

مسئـلوـيـتـپـذـيرـيـ اـزـ نـشـانـهـاـيـ اـخـتـيـارـيـ اـنـسـانـ

۱- ذلـكـ بـماـ قـدـمـتـ آـيـدـيـگـمـ: انسان مختار است و به همین جهت مسئول اعمالش است. کیفر و عقوبت الهی، براساس اعمال اختیاری و آگاهانه انسان در دنیاست: مسئـلوـيـتـپـذـيرـيـ اـنـسـانـ

۲- وـ آـنـ اللـهـ لـيـسـ بـظـلـامـ لـلـعـبـيدـ: کیفرهای الهی، ظلم خدا بر انسان نیست، زیرا خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه ظلم انسان بر خود با انجام گناه در دنیاست.

۳- رابـطـةـ عـلـتـ وـ مـعـلـوـيـ: از کلمه «به خاطر» می‌فهمیم: ارتکاب گناهان اختیاری در دنیا و ظلم‌نکردن خدا به بندگان: علت و گرفتاری به عقوبت الهی در قیامت: معلوم و نتیجه آن است.

۴- ارتبـاطـ مـفـهـومـيـ: این آیه با دو آیه قبل، یعنی «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كُفُورًا» و «فـمـنـ اـبـصـرـ فـلـنـفـسـهـ وـ منـ عـمـیـ فـعـلـیـهـاـ» هم‌مفهوم است و هر سه به اختیار انسان اشاره دارد.

۵- نکـتهـ تـرـکـبـیـ (۱): (درس ۴. دهم) این آیه که به ظلم‌نکردن خداوند اشاره دارد، بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است و با آیه: «إِنَّمـاـ نـجـعـلـ الـذـيـنـ آـمـنـواـ وـ عـمـلـواـ الصـالـحـاتـ كـالـمـفـسـدـيـنـ فـيـ الـأـرـضـ» ارتباط دارد.

۶- نکـتهـ تـرـکـبـیـ (۲): (درس ۶. دهم) آیه: «إِنَّ الـذـيـنـ يـأـكـلـونـ اـمـوالـ الـيـتـامـيـ ظـلـمـاـ إـنـماـ يـأـكـلـونـ فـيـ بـطـوـنـهـمـ نـارـاـ وـ سـيـصـلـونـ سـعـيـرـاـ» نیز، گرفتاری به آتش جهنم را نتیجه گناه خوردن مال یتیم از روی ظلم در دنیا بیان کرده است.

۷- نکـتهـ تـرـکـبـیـ (۳): (درس ۶. دوازدهم) مطابق با سنت الهی میان عمل و کیفر تناسب وجود دارد و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند. مفهوم این آیه با آیه: «مـنـ جـاءـ بـالـسـيـئـةـ فـلـاـ يـجزـيـ لـآـمـلـهـاـ وـ هـمـ لـاـ يـظـلـمـونـ» تناسب دارد.

هم‌چنین در آیه: «وـ لـكـ كـدـيـوـاـ فـاخـذـنـاهـ بـمـاـ كـانـواـ يـكـسـبـونـ» نیز گرفتاری جامعه نتیجه گناهان مستمر اختیاری افراد جامعه بیان شده است.

قانونمندی جهان، زمینه‌ساز شکوفی اختیار

تبیین نسبت اختیار با قوانین حاکم رهستی و تدبیر خداوند

خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن جا پیش برویم که جز خداوند، کسی به عظمت آن آگاه نیست.

سؤال ممکن است در اینجا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود، به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانونمند است)؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار نیست؟

قدرو قضاي الهي

قبل از پاسخ به سؤال قبل، لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قدر» و «قضای الهی» بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آن‌ها عمیق‌تر تأمل کنیم.

مفهوم «قدر» و «تقدیر»

«قدر» و «قدر» به معنای «اندازه» است.

«تقدیر» به معنای «اندازه‌گرفتن» است.

مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.



مفهوم «قضا»

- «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»؛ «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان، حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.

مفهوم قضاؤ قدری بودن جهان

- پس این که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایی از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه جهان (قدر) نقشی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن (قضا).

اعتقاد به قضاؤ تقدیر الهی، مبنای کارفعالیت اختیاری انسان

- حال با توجه به معنای قدر و قضاء، اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانونمند نبود)، آیا می‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم با اختیار خود، دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟
- از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- آبی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست، یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنجی می‌شود.
- اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند، اگر واقعاً بخواهد همین نگاه را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی خواهد داشت؟

۱- توضیح

- این قسمت ناظر بر یک مسئله مهم در مبحث اختیار انسان است. آن مسئله این است که در دایرة اعتقاد به خدا و قضاء و قدر الهی، اختیار انسان چگونه توجیه پذیر است.
- برای فهم درست پاسخ به توضیح مفهوم «قضا» و «قدر» الهی و رابطه آن با صفات خداوند پرداخته است. همین اعتماد به قضاء و قدر الهی موجب فهم درست جهان و فعالیت آگاهانه انسان برای پیشرفت می‌شود.

۲- کلیدواژه

- تمامی واژه‌هایی که در هر یک از کلیدواژه‌ها آمده، برآن مفهوم دلالت دارد.
- تقدیر: تعیین اندازه، حدود، طول و عرض، حجم، ویژگی، کیفیت، موقعیت مکانی و زمانی، کلیه روابط میان موجودات، نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها، قانونمندی، نظام تعیین شده میان موجودات.
- رابطه تقدیر با صفات الهی: تقدیر، برخاسته از علم و حکمت خداست.
- قضاء: به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن، حتمیت بخشیدن، ایجادشدن، اجرا و پیاده کردن، بنانهادن ساختمان هستی، خلق کردن، تأثیرگذاری در نظام آفرینش، وساطت اسباب و فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از جانب خداوند.
- رابطه قضاء با صفات الهی: قضاء برخاسته از قدرت، اراده، حکم، فرمان و مشیت خداوند است.

۳- رابطه علت و معلولی

- از کلمه «به همین دلیل» می‌فهمیم که: تقدیر و قضای جهان به علم و اراده الهی: علت و نبود نقص در نقشه جهان (تقدیر) و اجرا و پیاده کردن آن (قضا): معلول و نتیجه آن است.
- هم‌چنین از کلمه «به سبب» می‌فهمیم که: اعتماد به تقدیر و قضای الهی: علت و انجام کار و فعالیت در جهان: معلول و نتیجه آن است.

اصلاح یک‌پندار

اقضا و قدر الهی، عامل حرکت اختیاری انسان

- برخی که می‌پندارند قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حداثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند؛ در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد و تمام جهان بر اساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است؛ پس بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.



برداشت اشتباه: جبری انگاری قضای الهی و نقی اختیار

روزی امیر مؤمنان علی ﷺ با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشسته بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای این که مبادا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آن جا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیر المؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» امام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» یعنی از نوعی قضا و قدر الهی، به نوع دیگری از قضا و قدر الهی پناه می‌برم.

برداشت نابه جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است.

برداشت درست: تقدير و قضای الهی همان نظام حاکم پرجهان

امیر المؤمنین علی ﷺ با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضای و قدر، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است، اما این قضای متناسب با ویژگی و تقدير خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدير و این دو قضای را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

بنابراین، جهان آفرینش مجموعه‌ای از قدرها و قضایا الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

عمل امیر مؤمنان به ما می‌آموزد که اگر اندیشه درستی درباره قضای و
قدر داشته باشیم، می‌توانیم اهل تحرك و پویایی باشیم.

۲- پیام حدیث

سخن امیر مؤمنان که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»
بیانگر آن است که هر تقدير خاص، قضای خاص خود را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، هر قضای الهی، متناسب با تقدير و ویژگی آن موجود است. به همین علت، قضای دیوار کج، ریختن و قضای دیوار مستحکم این‌بودن است.

۱- توضیح

سخن امیر مؤمنان در پاسخ به یکی از اصحاب خود، قانونمندی قابل اعتماد و امکان حرکت اختیاری را آشکارتر می‌سازد. برداشت آن مرد این بود که انسان، اختیار ندارد و قضای الهی ارتباطی با نظام این جهان ندارد و اگر قضای الهی بر مرگ کسی باشد، چه پای دیوار خراب و چه پای دیوار محکم، می‌میرد. امیر مؤمنان به آن مرد آموخت که قضای الهی برای دیواری با این تقدير که سست باشد و برای دیواری با آن تقدير که مستحکم باشد، متفاوت است. برداشت غلط آن شخص، هر حرکت اختیاری از جانب انسان را بیهوذه و عبث می‌شمرد، اما



اختیار انسان، یک تقدير الهی

اصداقت از تقديرات الهی

وقتی از تقدير جهان به وسیله خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقديرها هستند. تقدير الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها، کمیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.

این که آب در چه درجه‌ای به جوش آید، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقديرات الهی است.

اختیار انسان به عنوان مصدق از تقدير الهی

یکی از تقديرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.

به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه تقدير کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند؛ باز هم این کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

توضیح

این بخش توضیح می‌دهد که نه تنها اختیار با تقدير در تقابل نیست، بلکه خداوند چنین تقدير کرده است که انسان کارهای خود را با اختیار انجام دهد. البته همان‌طور که در ابتدای درس گفتیم، همه کارهای انسان اختیاری نیست مثل تپش قلب؛ اما آن دسته از کارها که

رابطه اختیار انسان بالا را خداوند

طرح مسئله

در اینجا ما با یک مساله دیگر رویه رو می‌شویم. آن مسئله این است که: چگونه می‌توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می‌شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند: ۱) علل عرضی، ۲) علل طولی.

۱- عل عرضی

در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند.

مثال برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. یا مثلاً دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جایه‌جا می‌کنند. هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جایه‌جایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می‌کند تا گل بروید یا گلدان جایه‌جا شود. این گونه علل را «عل عرضی» می‌گویند. در عل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- عل طول

گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلوم منتقل کند.

مثال به هنگام نوشتن، چند عامل، در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:

اول: نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند؛
دوم: ساختار عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستمان می‌شود؛
چهارم: قلم که با حرکت خود در صفحه، جملات را می‌نگارد.
سوم: دست که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛
کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده‌ای است که برآمده از نفس شمامست. این علتها را «عل طولی» می‌گویند.

در مثال پرورش گل، علتها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علتها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالای است).

اختیار انسان، در طول اراده خداوند

وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکردیم، آن کار انجام نمی‌گیرد، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافق ندارد.



۱- توضیح

با توجه به ویژگی‌های عل طولی، اراده ما در طول اراده خداست و زمانی که انسان به فعل اختیاری دست می‌زند، در عین این که خودش آن عمل را انجام داده، چون اراده‌اش وابسته به خداست، می‌گوییم آن فعل نیز کار خداست.

۲- کلیدواژه

عل طولی: علتها که به صورت مقدم و مؤخر و در مرتبه‌های مختلف، اثر خود را به علت بعدی منتقل می‌کنند تا معلوم ایجاد شود.
عل عرضی: علتها که در یک ردیف و در کنار هم، اثر خود را با همکاری سایر عوامل اعمال می‌کنند تا معلوم ایجاد شود.

در بحث عل عرضی این موارد مطرح می‌شود: وجود چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر - اعمال اثر خاصی مستقل از سایر عوامل - نقش متفاوت و مستقیم هر عامل - عدم امکان انجام یک کار به صورت تنها - در یک ردیف بودن عوامل

در بحث عل طولی این موارد مطرح می‌شود: تأثیر عوامل به صورت تقدم و تأخیر - دخالت چند عامل با یکدیگر نه به صورت مستقل - امکان نسبت دادن عمل به هر یک از عوامل - علت بودن هر علت از عامل بالاتر - در مرتبه‌های مختلف قراردادشتن علتها

با این که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موقعيت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟
این افراد به دنبال توجیه شکست‌ها و کم‌کاری‌های خود هستند و نمی‌خواهند نقش خود را در امور نامطلوب و شکست‌ها بررسی کنند. در حالی که انسان‌ها در شکست‌ها و موقعيت‌هایشان هر دو به یک میزان اختیار دارند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

کنکور

- ۱۷۸۷- با توجه به این که اختیار انسان، یک تقدیر الهی است، کدام مورد رابطه میان اختیار و تقدیر الهی را به درستی بیان می‌کند؟
(۹۸) فارج از کشور انسانی
- ۱) تقدیرات، هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدود‌کننده آن است.
 - ۲) اختیار انسان با تقدیر الهی به طور کامل سازگار است اما با قضای الهی ناسازگار می‌باشد.
 - ۳) خداوند اختیار را ویژگی ذاتی آدمی قرار داده است و هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود.
 - ۴) خداوند، قدرت اختیار و اراده به انسان عطا کرده است، فقط مشیت الهی مانع از اختیار انسان است.

۱۷۸۸- اگر بگوییم «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن گفته‌ایم که مبنای آن، قبول علل است و حاکی از الهی می‌باشد.

(تبری ۹۸) ۱) درستی - طولی - تقدیر ۲) نادرستی - طولی - قضای ۳) درستی - عرضی - تقدیر ۴) نادرستی - عرضی - قضای

۱۷۸۹- ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه‌ای دارد؟

۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.

۲) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.

۳) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

(انسانی ۹۸ با تغییر) ۱۷۹۰- مفهوم کدام آیه شریفه به انسان این اطمینان را می‌دهد که می‌تواند از قدرت اختیار خود استفاده کند؟

۱) ﴿وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ ۲) ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى﴾

۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمُ الْسَّبِيلَ إِلَّا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا﴾

۱۷۹۱- با توجه به عبارت شریف ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ تقدیر الهی برای انسان چیست؟

۱) مشیت الهی، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

۲) مسئولیت‌پذیری، مبنای عهدها و پیمان‌های ماست.

۳) بصیرت الهی، مانع از گمراهی و ضلالت انسان است.

۱۷۹۲- کدام آیه شریفه عقیده «جبرگرایی» را نفی می‌کند و زندگی در جهان قانونمند، این امکان را به ما می‌دهد تا به هدف‌های خود برسیم. این قانونمندی چه نامیده شده است؟

۱) ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِئْنَفِسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - قضا و قدر الهی

۲) ﴿آلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بْنَى آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - قضا و قدر الهی

۳) ﴿آلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بْنَى آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - نظام علی و معلولی

۴) ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِئْنَفِسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - نظام علی و معلولی

۱۷۹۳- حضرت علی ﷺ با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یارانشان آموزش دادند؟

۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.

۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌پابد.

۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرك و عمل انسان است.

۴) فروریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.

۱۷۹۴- اختیار در انسان چگونه امروی است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

۱) مشهود و انکارناپذیر - ﴿وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

۲) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبْلًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾

۳) مشهود و انکارناپذیر - ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِئْنَفِسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۴) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿قُدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرَ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِئْنَفِسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

۱۷۹۵- با توجه به این که دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمره اطاعت و زیان نافرمانی کدام است؟

۱) ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِئْنَفِسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ ۲) ﴿ذِلِّكَ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيكُمْ﴾

۳) ﴿خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَة﴾

۱۷۹۶- از آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاكُمُ الْسَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟

۱) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.

۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و نداشتن اختیار برای انسان امر عادی است.

۳) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکرگزاری را تبیین می‌کند.

۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

۱۷۹۷- کدام عبارت بیانگر فواید و ثمرات زندگی در یک جهان قانونمند است؟

۱) برطرف نمودن نیازها - بیمودن بله‌های کمال - به فعلیت رساندن استعدادها ۲) گریختن از قضای الهی - حرکت بر مبنای قدر الهی - بی‌فایده بودن تصمیم‌گیری

۳) اعتقاد به چیزی و رای نظم - زمینه‌سازی برای اختیار - انجام امور به دست خدا ۴) اعتقاد به قضا و قدر - اعتماد به نفس - مقابله با پندارهای ویرانگر

۱۷۹۸- تعیین اندازه، ویژگی‌ها و نقشه پدیده‌ها چه نام دارد و برخاسته از چیست و موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به کدام مورد هستند؟

۱) تقدیر - علم الهی - قضای الهی ۲) قضا - علم الهی - قضای الهی ۳) تقدیر - قدرت الهی - قضای الهی ۴) قضا - قدرت الهی - تقدیر الهی

۱۷۹۹- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند و حتمیت می‌یابند، تسلیم چه چیزی هستند و موجودات جهان از آن جهت که خداوند متعال، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، وابسته به الهی هستند.

(ترکیبی هنر ۸۳، انسانی ۹۸ و زبان ۸۷ با تغییر)

۱) تقدیر الهی - تقدیر الهی ۲) قضای الهی - تقدیر الهی ۳) تقدیر الهی - قضای

۴) قضای الهی - قضا



- ۱۸۰۰- اگر از ما بپرسند: «صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، کجا است؟»، می‌گوییم: آن‌جا است که
 (ریاضی ۹۳)
 ۱) باطل با تمام آسودگی‌های فطرت‌آزارش خودنمایی کند.
 ۲) قضا و قدرهای متفاوت، او را احاطه کرده باشد.
 ۳) جایگاه خود را در نظام قانونمند آفرینش، درک کرده باشد.
 ۴) حق با همه زیبایی‌های فطرت‌پسندش به او عرضه شود.
- ۱۸۰۱- «جوشش آب در درجه مشخص» و «برخورداری انسان از اختیار»، به ترتیب از مصاديق و الهی است که امر دوم برخاسته از عل است.
 (۱) تقدير - تقدير - طولی (۲) قضا - قضا (۳) قضا - عرضی (۴) قضا - عرضی
 (تهری ۹۳)
 ۱۸۰۲- «تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر و الهی‌اند.
 (۱) قدر - قضا (۲) قضا - قضا (۳) قضا - قدر (۴) قدر - قدر
 (انسانی ۹۳ با تغییر)
 ۱۸۰۳- هرگاه فروریختن دیوار کج را بر انسانی که زیر آن نشسته و متوجه کجی و سنتی آن است، یک قصای الهی بدانیم، فرار از این قضا، امری است که پیام آیه شریفه حاکی از این حقیقت است.
 (۱) ناممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾
 (۲) ممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾
 (۳) ناممکن - ﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الارضَ وَ مَا يَبْنَهُمَا لَا يَعْبِدُونَ﴾
 (۴) ممکن - ﴿وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَ الارضَ وَ مَا يَبْنَهُمَا لَا يَعْبِدُونَ﴾
 (۱) ناممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾
 (۲) قضا - قضا (۳) قدر - قدر (۴) قدر - قدر
 (تهری ۹۳ با تغییر)
 ۱۸۰۴- اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان، نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر فهم درست و تأکید نموده‌ایم.
 (۱) قضا - قضا (۲) قدر - قدر (۳) قدر - قدر (۴) قدر - قدر
 ۱۸۰۵- اعطای ویژگی «مخترابودن» به انسان و «مایع بودن» به آب، بیانگر خداوند است و خروج هر یک از این دایره، به ترتیب و است.
 (۱) تقدير - ممکن - ناممکن (۲) قضای - ممکن - ناممکن (۳) تقدير - ناممکن - ناممکن (۴) قضای - ناممکن - ناممکن
 (تهری ۹۲)
 ۱۸۰۶- از دقت در پیام آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾ مفهوم می‌گردد که
 (۱) انسان، در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد
 (۲) هدایت به راه کمال، خواناخواه توانم با فراز و نشیب‌ها است
 (۳) قانون لطف، ایجاب می‌کند که هدایت انسان را که هرگز در آن تحلفی نخواهد بود
 (۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب اسلامی، راه را به انسان نشان داد
 ۱۸۰۷- فروریختن دیوار کج، یک الهی است. این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است، و حضرت علی در پاسخ آن فرد فرمودند: از الهی به الهی پناه می‌برم.
 (فراز از کشور ۹۰ با تغییر)
 ۱۸۰۸- از دقت در آیه شریفه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾ مفهوم می‌گردد که است و ویژگی اختیار انسان، الهی است.
 (۱) اراده انسان، در طول اراده خداوند - مقضی به قضای (۲) اراده انسان، در طول اراده خداوند - مقدار به تقدير (۳) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریع - مقدار به تقدير (۴) اراده خداوند، متعلق به تکوین و تشریع - مقضی به قضای
 (فارج از کشور ۹۰ با تغییر)
 ۱۸۰۹- اگر بگوییم: «پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی به وسیله خداست». مفهوم این جمله آن است که حوادث جهان، وابسته به الهی است و ارزانی شدن «دلایل روشن» مفهوم به دست آمده از آیه می‌باشد.
 (ترکیبی ریاضی ۹۰ و هنر ۹۰)
 (۱) قضای الهی - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾
 (۲) تقدير الهی - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِما شَاكِرًا وَ إِما كَفُورًا﴾
 (۳) تقدير الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّنْ رِبِّكُمْ فَمِنْ ابْصَرَ فَلَنْفَسَهُ وَ مِنْ عَمِّ فَلَيْهَا﴾ (۴) قضای الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّنْ رِبِّكُمْ فَمِنْ ابْصَرَ فَلَنْفَسَهُ وَ مِنْ عَمِّ فَلَيْهَا﴾
 (۱) توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.
 (تهری ۹۰ با تغییر)
 ۱۸۱۰- متبوع - تقدير - علم (۲) متبوع - قضای - اراده (۳) تابع - تقدير - علم (۴) تابع - قضای - اراده
 ۱۸۱۱- رابطه جاذبه موجود میان اشیا از الهی است و از خداوند سرجشمه می‌گیرد.
 (انسانی ۹۰ با تغییر)
 ۱۸۱۲- نظام تعیین شده میان موجودات، الهی است و خلق و اجرای موجودات خداوند است و خاستگاه تقدير او است.
 (هنر ۹۰ با تغییر)
 ۱) مقضی به قضای - مقدار به تقدير - علم
 ۲) مقدار به تقدير - مقضی به قضای - اراده
 ۳) مقدار به تقدير - مقضی به قضای - اراده و مشیت
 ۴) مقدار به تقدير - مقضی به قضای - اراده و مشیت
 ۱۸۱۳- با توجه به توحید و مراتب آن، در فهم قضای و قدر الهی که قضای برخاسته از و قدر برخاسته از تکیه گاه می‌باشد.
 (فراز از کشور ۹۰ با تغییر)
 ۱) علم - اراده - قضای - تقدير (۲) علم - اراده - تقدير - قضای (۳) اراده - علم - قضای - تقدير (۴) اراده - علم - تقدير - قضای
 ۱۸۱۴- تعیین نقشه پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با اوست که به ترتیب و رقم می‌خورد.
 (هنر ۹۰)
 ۱) علم - اراده - قضای - تقدير (۲) اراده - علم - قضای - تقدير (۳) اراده - علم - تقدير - قضای (۴) اراده - علم - تقدير - قضای
 ۱۸۱۵- در رابطه اراده انسان با اراده خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟
 (۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست خداوند است.
 (۲) اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض اراده خداوند است.
 (۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سر زند داخل در تقدير الهی است.
 (۴) حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظہری از قضای و قدر الهی است.



- (ریاضی ۱۸۱) نزول دلایل روشن بر انسان» و «اختیار او» در قبول یا رد آن، از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟
- ۱) ﴿اتا هدیناه السبیل إما شاکراً و اما کفوراً﴾
 - ۲) ﴿ان الله يمسك السماوات و الارض ان تزولا﴾
 - ۳) ﴿ذلک بما قدمت ایدیکم و ان الله ليس بظالم للعبيد﴾
 - ۴) ﴿قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من غمي فعلىها﴾
- (انسانی ۱۸۱) از آیه شریفه **﴿قد جاءكم بصائر من ربكم ...﴾** کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟
- ۱) با وجود روش‌بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم.
 - ۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.
 - ۳) همین اختیار محدود ما مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.
 - ۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است و به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- (ریاضی ۱۸۱) بین نظام مقدار جهان و اراده و اختیار انسان رابطه حاکم است، به این معنی که می‌باشد.
- ۱) طولی - اراده انسان موخر از اراده خداوند
 - ۲) عرضی - اراده انسان موخر از اراده خداوند
 - ۳) طولی - انسان همان را اراده می‌کند که مقدر او
- (انسانی ۱۸۱) آن جا که یک عامل در عامل دوم تأثیر می‌گذارد تا اثرش را به معلول منتقل کند و آن جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه همکاری دارند تا یک معلول محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موفق با آن و می‌باشد.
- ۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش
 - ۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
 - ۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش

تألیفی

- (۱۸۲۰) دو بیت زیر با کدام عبارت پیرامون اختیار انسان، تناسب مفهومی دارد؟
- گفت کز چوب خدا این بندهاش می‌زند بر پشت دیگر بندهاش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او
- ۱) بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم و آن‌ها را انتخاب نمی‌کنیم.
 - ۲) با وجود روش‌بودن اختیار، شواهدی برای استدلال آن را در بیرون از خود می‌یابیم.
 - ۳) اختیار که معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجودی و غیر قابل انکار است.
 - ۴) میان حرکات اختیاری انسان با حرکات غیراختیاری او تفاوت اساسی وجود دارد که امری مشهود است.
- (۱۸۲۱) قرآن کریم چه علته را برای **﴿و ان الله ليس بظالم للعبيد﴾** بیان کرده است؟
- ۱) هدایت او به راه رستگاری
 - ۲) کردار نادرست پیشین
 - ۳) نزول دلایل روشن الهی
 - ۴) تخلف‌ناپذیری از قضا و قدر الهی
- (۱۸۲۲) آبی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، رویش در فهم کدام مستله دارد؟
- ۱) هر حادثه‌ای هدف معین و مخصوصی دارد و از سر غفلت یا ندانم کاری رخ نمی‌دهد.
 - ۲) خداوند هر یک از مخلوقات را با ویژگی‌ها و اندازه‌های خاص آفریده که سبب نتیجه معینی می‌شود.
 - ۳) نظم فعلی جهان یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق دیگر ممکن است.
 - ۴) ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قنای الهی بر آن حاکم است و ما مختار نیستیم.
- (۱۸۲۳) در کدام‌یک از آیات شریفه به یک حقیقت وجودی و بی‌نیاز از استدلال، اشاره شده است؟
- ۱) ﴿قل من رب السماوات والارض﴾
 - ۲) ﴿اتا هدیناه السبیل إما شاکراً و إما کفوراً﴾
 - ۳) ﴿أن الله ليس بظالم للعبيد﴾
 - ۴) ﴿و الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا﴾
- (۱۸۲۴) خداوند این‌گونه نموده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی اوست، فرار کند، حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده است، چون
- ۱) تقدیر - عرضی - خداوند اراده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد
 - ۲) قضا - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است
 - ۳) تقدیر - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است
 - ۴) قضا - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد
- (۱۸۲۵) اگر بخواهیم با بررسی علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، کل یک عمل را به هر یک از عوامل نسبت دهیم، باید چه دیدگاهی در خصوص آن عوامل داشته باشیم؟
- ۱) یک عامل در هر یک از عوامل بعدی اثر می‌گذارد تا اثر خود را به معلول منتقل کند.
 - ۲) چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری عوامل دیگر مشارکت می‌کنند.
 - ۳) هر کدام از عوامل نیروی خاص و مستقل از دیگری وارد می‌کنند و نقشی متفاوت بر عهده دارند.
 - ۴) هر علته، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد تا به نخستین عامل می‌رسد.



۱۸۲۶- چرا امام علی فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم»؟

- ۱) آتا هدیناه التسبیل إِنَّا شَاكِرًا وَ إِنَّا كَفُورًا ﴿١﴾
- ۲) وَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ﴿٢﴾
- ۳) قُلْ أَغْيِرُ اللَّهَ أَبْغِي رَبِّاً وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ﴿٣﴾
- ۴) إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ﴿٤﴾

۱۸۲۷- از آیه شریفه «قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه ومن عمى فعليها» کدام مفهوم دریافت می شود و ناظر بر کدامیک از شواهد اختیار است؟

- ۱) انسان به دلیل انسان بودنش، نمی تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - قدرت تفکر و تصمیم
- ۲) انسان به دلیل انسان بودنش، نمی تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - احساس رضایت یا پشیمانی
- ۳) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست های خود را خواهانخواه تحمل کند - احساس رضایت یا پشیمانی
- ۴) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست های خود را خواهانخواه تحمل کند - قدرت تفکر و تصمیم

۱۸۲۸- یکی از یاران حضرت علی که به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می گریزی؟» چگونه قضای الهی را دریافته بود؟

(۱) فروریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است که متناسب با قضای خداوند صورت می گیرد.

(۲) اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرك و عمل انسان است، بلکه متناسب با اختیار است.

(۳) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود ولی قضای الهی فقط با شرایط خاص تغییر می کند.

(۴) ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و تقدیر چیزی ورای قانونمندی و نظم است.

۱۸۲۹- وجودی بودن اختیار با کدامیک از مقاهمی زیر مرتبط است و به چه معناست؟

(۱) مشهود - هر کس آن را در خود می باید و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

(۲) مشهود - نفس یا وجود انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می کند و او را مسئول کارهای خود می دارد.

(۳) معلوم - هر کس آن را در خود می باید و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

(۴) معلوم - نفس یا وجود انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می کند و او را مسئول کارهای خود می دارد.

۱۸۳۰- پیامد اعتقاد به این که: «نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری ها و بیتگی ها و قانون هایش از آن خدا و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست». چیست؟

(۱) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود.

(۲) نه در تقدیر جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

(۳) تقدیر الهی شامل همه و بیتگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.

(۴) جهان خلت حافظ و نگهبانی دارد که در کار او اشتباه نیست.

۱۸۳۱- مطابق تعالیم اسلامی، چگونه در فعل اختیاری تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، انجام نمی گیرد اما در عین حال، وجود ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؟

(۱) اراده انسان، مقدم بر اراده خداست ولی به او وابسته است.

(۲) انسان، اثر عامل اول یعنی خدا را بر روی سایر موجودات منتقل می کند.

(۳) اختیار انسان نقشی بر عهده دارد که با نقش اراده الهی مشارکت می کند. (۴) اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۱۸۳۲- سنجیدن جوانب کار، استوار نمودن عهدها و پیمانها و دچار شدن به تردید به ترتیب ناظر بر کدامیک از شواهد وجود اختیار است؟

(۱) مسئولیت پذیری - تفکر و تصمیم - مسئولیت پذیری - تفکر و تصمیم

(۳) مسئولیت پذیری - تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی

۱۸۳۳- اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر و الهی مهر تأکید نهاده ایم که اصطلاح قرآنی هم مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

(۱) علم - حکمت - دوم (۲) قدرت - حکمت - اول (۳) علم - اراده - دوم (۴) قدرت - اراده - اول

۱۸۳۴- کلام خداوند در عبارت: «فمن ابصر فلسفه و من عمی فعليها» به چه معنی است و خداوند در پی: «ذلك بما قدّمت ایديكم» چه فرموده است؟

(۱) برای هدایتشدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی کند.

(۲) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - اگر عمل به اندازه دانهای باشد، آن را حساب می کنیم.

(۳) برای هدایتشدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - اگر عمل به اندازه دانهای باشد، آن را حساب می کنیم.

(۴) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی کند.

۱۸۳۵- سخن امیرالمؤمنین علی: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم». در نفعی کدام دیدگاه و حاکی از کدام حقیقت است؟

(۱) حرکت و تصمیم گیری براساس دستور عقل بی فایده است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه ساز عمل انسان است.

(۲) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.

(۳) حرکت و تصمیم گیری براساس دستور عقل بی فایده است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.

(۴) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه ساز عمل انسان است.

۱۸۳۶- با توجه به آیه شریفه: «وَ أَنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ»، تعیین فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان و سپس ریزه کاری های جهان و موقعیت مکانی موجودات آن و آیه: «قُلِ اللَّهُ خالقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» به ترتیب حاکی از کدام است؟

(۱) قضا - تقدیر - قضا - تقدیر (۲) تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضا (۳) قضا - قضا - تقدیر - تقدیر



۱۸۳۷- مفهوم صحیح قدر و قضای الهی کدام است؟

- ۱) هر پدیدهای تقدیر و اندازه خاص خود را دارد و اراده الهی بر تعیین ویژگی‌های مخلوقات تعلق گرفته است.
- ۲) نظم حاکم بر جهان، اتفاقی از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بوده و غیر قابل تغییر و دگرگونی است.
- ۳) هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قبل یافتن و بهره‌گیری است.
- ۴) تقدیر و قواعد حاکم بر جهان خلقت قابل تغییر است و گزنه هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری انسان پدید نمی‌آید.

۱۸۳۸- ریختن دیوار کج مناسب با آن و یک الهی است، اما اگر دیگری را به دنبال خواهد آورد و انتخاب مناسب، نتیجه شناخت است.

- ۱) تقدیر - قضای - قضای - تقدیر - همه تقدیرات و قضای آن
- ۲) قضای - تقدیر - قضای - تقدیر - همه تقدیرات و قضای آن
- ۳) تقدیر - قضای - قضای - این دو تقدیر و دو قضا

۱۸۳۹- میان آیات شریفه: «قل أَغَيْرُ اللَّهِ أَبْغِيْ رِبَا وَ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ» و «أَنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَ إِمَّا كَفُوراً» چه ارتباطی وجود دارد؟

- ۱) تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداوند است و یک اراده بر جهان حاکم است.
 - ۲) اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلیت و قدرت تصمیم‌گیری دارد.
 - ۳) انسان با شناخت قانونمندی‌های الهی و رشدشدن از آن‌ها می‌تواند اختیار خویش را بروز و ظهور دهد.
 - ۴) در پیدایش و پرورش هر پدیده دو عامل اراده الهی و اختیار انسان به صورت همزمان و با همکاری یکدیگر مشارکت می‌کنند.
- ۱۸۴۰- در پرسش: «آیا از قضای الهی می‌گزینی؟» میان قضای الهی و قدر الهی با اختیار انسان چه نسبتی برقرار شده است و فرو ریختن دیوار سست و کج مناسب با کدام مورد است؟

- ۱) سازگاری - انتخاب درست انسان ۲) ناسازگاری - انتخاب درست انسان ۳) سازگاری - تقدیر خاص آن دیوار ۴) ناسازگاری - تقدیر درست انسان
- ۱۸۴۱- کدام عبارت، توصیف کننده «قدر و قضای الهی» است؟

- ۱) قضای الهی در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

۲) قضا و قدر هر دو از مظاهر حکمت خداوند در به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین هستند.

۳) کل آفرینش تحت امر قدر الهی است و ویژگی‌های هر موجودی قبل از ایجاد و خلق، مقدار شده است.

۴) قضای الهی مربوط به مقام ایجاد و آفرینش است و جهان هستی با یک اتفاق موجود شده است.

۱۸۴۲- کدام آیه شریفه، به دیدگاه افرادی که عهدها و پیمان‌ها را براساس مسئولیت‌پذیری انسان استوار می‌کنند، اشاره دارد؟

- ۱) «لَذُكَ بِمَا قَدَّمْتَ إِيَّاكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لِيَسْ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»
- ۲) «إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بَطْوَنِهِمْ نَارًا وَ سِيَّصُلُونَ سَعِيرًا»
- ۳) «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِيْنَا لِنَهْدِيْهُمْ سَبِيلًا»
- ۴) «فَمَنْ ابْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيْ فَلِعَلِيهِ»

۱۸۴۳- کدام مورد نمونه‌ای برای وابستگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی است؟

- ۱) پرورش گل ۲) ساختن بنا ۳) تولید لباس ۴) نوشتن مقاله

۱۸۴۴- با توجه به آیات قرآن کریم، دلیل گرفتاری انسان‌ها به عقوبت در قیامت چیست و نشانه اختیار آنان کدام است؟

- ۱) «يَعْبُدُ اللَّهُ عَلَى حِرْفٍ» - احساس پشیمانی

- ۲) «بِمَا قَدَّمْتَ إِيَّاكُمْ» - مسئولیت‌پذیری

- ۳) «يَعْبُدُ اللَّهُ عَلَى حِرْفٍ» - احساس پشیمانی

۱۸۴۵- «کار هر یک از اعضای بدن» مرتب با کدام مورد است و وجود آن به چه معناست؟

- ۱) تقدیر الهی - در یک جهان قانونمند، امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.

۲) قضای الهی - در اجراء و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباہی نیست.

۳) تقدیر الهی - در اجراء و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباہی نیست.

۱۸۴۶- خداوند، راه بینایی و کوردلی را برای انسان‌ها چگونه باز گذاشته است و کدام‌یک از شواهد اختیار انسان را بیان می‌کند؟

- ۱) «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ» - تفکر و تصمیم

- ۲) «قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ» - مسئولیت‌پذیری

۱۸۴۷- از دیدگاه امیر المؤمنین ﷺ چرا باید از قضای الهی به قدر الهی پناه برد؟

- ۱) هر حادثه‌ای، فقط یک قضا و قدر دارد.

- ۲) تضمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است، فقط باید تقدیر را شناخت.

۱۸۴۸- بدون هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید و این مورد، توسط انسان قابل است.

- ۱) قدر و قضای الهی - یافتن و بهره‌گیری

- ۲) اختیار و انتخاب - تغییر و تبدیل

- ۳) قدر و قضای الهی - یافتن و بهره‌گیری

۱۸۴۹- بیت زیر مفهوم کدام آیه شریفه را مورد تأکید قرار داده است؟

هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

- ۱) «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِرْفٍ فَانِ اصْبَاهُ خَيْرَ اطْمَانٍ بِهِ»

- ۲) «وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَرْجِهُمْ مِنْ حِيثِ لَا يَعْلَمُونَ»

- ۳) «قَدْ جَاءَكُمْ بِصَائِرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ ابْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيْ فَلِعَلِيهِ»
-
- ۳۹۰

۴۴ متن: صفحه

قصد و نیت به منزله روح عمل است و عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست.

ارتباط مفهومی: بیت / بیت

همه ایات به «افزایش معرفت نسبت به خداوند» اشاره دارد، اما گزینه (۳) به «توجه به نیازهای برتر و پیداکردن دغدغه و درد متعالی» برای رسیدن به پاداش‌های وصفناشدنی اشاره دارد.

۴۵ تطبیق: صفحه

وجود جهل در جایی است که فرد نیت الهی و حسن فاعلی دارد، اما عمل خود را مطابق با دستور الهی انجام نمی‌دهد و حسن فعلی ندارد.

پوشیدن لباس تمیز برای حفظ احترام خود؛ فقط حسن فعلی دارد و چون ریا است، حسن فاعلی ندارد. حضور در نماز جماعت: هم حسن فعلی دارد و هم حسن فاعلی؛ زیرا هم عمل او مطابق دستور خاست و هم نیت او الهی است.

۴۶ متن: صفحات

مقاومت در برابر دامهای شیطان، نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.

شیطان، خود افکار کرده که توانایی فربیب مؤمنان بالخلاص را ندارد.

۴۷ متن: صفحه

از آن جا که مفهوم اخلاص آن است که شخص، عملش را فقط برای رضای خداوند و همان‌گونه که او دستور داده است، انجام دهد، با توحید عملی تناسب دارد.

اگر انسان در اخلاص پیش روی، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فربیب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دامهای شیطان نمی‌شود. حضرت یوسف علیه السلام نیز به علت داشتن اخلاص، از دامهای شیطان که همان وسوسه‌های زلیخا بود، مصون ماند.

۴۸ متن: صفحه

بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): با توجه به این که فقط با زندگی در یک جهان قانون‌مند، امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، بنابراین تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدود‌کننده آن است.

گزینه (۲): اختیار انسان با قضای الهی ناسارگار نیست.

گزینه (۳): انسان در همه امور اختیار ندارد. مثلاً ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود نقشی نداریم. پس جمله «هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود» نادرست است.

گزینه (۴): مشیت الهی بر داشتن اختیار انسان تعلق گرفته است. بنابراین مشیت الهی نیز نمی‌تواند مانع از اختیار انسان شود.

۴۹ متن: صفحات

در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام دادن فعلی اراده نکرده‌ایم، آن فعل انجام نمی‌گیرد. در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است، یعنی اراده انسان در طول اراده خاست. از این جملات می‌فهمیم که: جمله «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن درستی است و مبنای آن قبول علل طولی است. خداوند این گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد». یعنی اختیار انسان، یک تقدیر الهی است.

۵۰ متن: صفحات

ویزگی ذاتی انسان، اختیار است. باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در قوع آن‌ها نقشی نداریم. در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است.

در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین کننده عاقبت و سرنوشت ماست. در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) صحیح است که می‌گوید: انسان، کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویزگی ذاتی اوست، فرار کند. در نتیجه، اختیار انسان توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست. از طرفی همه‌چیز تحت اختیار انسان نیست. در نتیجه قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است.

۴۳ آیه: تدبیر در قرآن، صفحه

این سؤال را باید با توجه به مفاهیم مطرح در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس پاسخ داد: **آلم اعهد الیک یا بیت آم** ای فرزند آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم؟ هشدار خداوند به انسان

آن لا تعبدوا الشیطان که شیطان را پیرستید: نفی بندگی شیطان

إِنَّهُ لَكُمْ عَذَّوْ مُبِينٌ که او دشمن آشکار شماست؟ دشمنی شیطان نسبت به انسان، آشکار است، نه پنهانی.

وَ انْ اعْبُدُونِي و این که مرا بپرستید: انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند یا بندگی شیطان است.

هذا صراط مستقيم که این راه مستقیم است: مسیر مستقیم، بندگی خداوند است. طبق این مفاهیم، گزینه (۲) نادرست است.

۴۴ بررسی: صفحه

حضور حسن فاعلی و عدم حسن فعلی: جهل یعنی کسی نیت الهی داشته باشد ولی از روی ناآگاهی، عمل خود را مطابق دستور خداوند به جا نمایورد.

عکس مفهوم اول یعنی عدم حسن فاعلی و حضور حسن فعلی: ریا یعنی فردی ظاهر عملش نیک باشد، ولی نیت الهی نداشته باشد.

کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران، ظاهري نیک اما نیتی غیرالهی دارد، در نتیجه مصادقی از مورد دوم یعنی «ریا» است.

۴۵ متن: صفحه

انجام واجبات و ترک محرومات از راههای تقویت اخلاص است. در نتیجه علت است. نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌کند و انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

۴۶ ترکیبی: درس ۱۲ - دهم

عبارت: **عَبَرَتِ يَدِينِ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيلِهِنَّ** به حدود حجاب برای زنان اشارة دارد و می‌فرماید که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند. انجام این وظیفة الهی، بیانگر انجام واجبات است.

آیه **﴿اَهَدْنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾** از خداوند، هدایت به راه راست زندگی را خواستار شده که از مصادیق «راز و نیاز با خداوند و کمک‌خواستن از او» است.

۴۷ گزینه: صفحه

با توجه به آیه **﴿قُلْ اتَّمَا اعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِللهِ مُثْنَى وَ فَرَادِي﴾**، موضعه منحصر خداوند به انسان، قیام جمعی و فردی برای خداست.

علاوه بر آیه مطرح در سؤال، آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّيْ وَ رَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾** راه درست زندگی را عبادت خدا بیان کرده است.

۴۸ متن: صفحات

اگر انسان در اخلاص پیش روی، به مرحله‌ای می‌رسد که گرفتار دامهای شیطان نمی‌شود و شیطان از نفوذ در او مأیوس می‌گردد. داستان حضرت یوسف علیه السلام یکی از نمونه‌های آن است.

۴۹ گزینه: صفحه

کافی است به زندگی زیبا و پر از جلال رسول خدا علیه السلام، امیر المؤمنین علیه السلام، زهراء علیه السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محظوظ را از راه بندگی خالصانه به دست آورده‌اند.

۵۰ ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، اخلاص در بندگی، خالص کردن دل و فکر برای خدا و بیرون کردن غیر خدا از فکر و دل است. در نتیجه باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که هم بر اخلاص برای خدا و هم بیرون کردن غیرخدا از دل اشاره داشته باشد. آیه **﴿أَلَمْ اعْهَدُ إِلَيْكُمْ ...﴾** با عبارت **﴿لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾** به بیرون کردن غیرخدا از دل و با عبارت **﴿أَنْ اعْبُدُونِي﴾** به اخلاص برای خدا اشاره دارد و پاسخ صحیح است.



۱۷۹۰ گزینه «۳» آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت الهی بهره نبرد. آیه: ﴿اتا هدینه السبیل اما شاکرا و اما کفورا﴾ بیانگر آن است.

۱۷۹۱ گزینه «۱» آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

آیه مطرح در صورت سوال، بر «اختیار» انسان پس از نزول رهنمودهای الهی بر او اشاره دارد. تقدیر الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. در واقع، مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

بررسی سایر گزینه‌ها، گزینه (۲): این آیه، به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه مستولیت‌پذیری.

گزینه (۳): این آیه، نمی‌گوید که بصیرت الهی مانع گمراحت انسان می‌شود، بلکه بیان می‌کند رهنمودهای الهی به انسان رسیده و او با اختیار خود، تفکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد راه الهی را در پیش بگیرد یا راه شقاوت را.

گزینه (۴): این آیه به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه احساس رضایت یا پشیمانی.

۱۷۹۲ گزینه «۱» آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵ / متن: صفحه ۵۵

عقيدة «جبرگرایی» به معنای «مخترابنون انسان» است. آیه: ﴿قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها﴾ با بیان این که انسان مختار است که دلایل روشن الهی را بپذیرد یا نپذیرد، این عقیده را نفی نموده است. انسان می‌تواند قوانین حاکم بر جهان خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از نیازهای خود از آن‌ها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است. بنابراین قانونمندی جهان هستی، قضا و قدر الهی نامیده می‌شود.

۱۷۹۳ گزینه «۳» آیه: امیر مؤمنان با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار، از قانون و قضای الهی نشأت گرفته است.

گزینه (۲): تمام حرکات و تصمیم‌گیری‌های امام، براساس شناخت قانون و قضای الهی بود.

گزینه (۴): فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۱۷۹۴ گزینه «۳» آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

اختیار حقیقتی وجودی و مشهود است و حتی کسی که آن را در سخن انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در نتیجه انکارنایزیر هم هست. آیه: ﴿قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها﴾ با بیان این که خدای متعال، برای انسان دلایل روشن فرستاده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند، استفاده کند و یا کوری بیشه کند و از آن استفاده نماید، حاکی از اختیار است.

۱۷۹۵ گزینه «۱» آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه: ﴿قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلنفسه و من عمى فعليها﴾: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگاران به سوی شما آمد. پس هر که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.» ثمرة اطاعت یا زیان نافرمانی هر دو به خود انسان برمی‌گردند.

۱۷۹۶ گزینه «۱» آیه: انسان، ۳

این آیه دو عبارت دارد:

آتا هدینه السبیل خداوند، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده است؛ فلسفه نبوت نشان دادن راه به انسان است.

اما شاکرا و اما کفوراً خداوند، انسان را مختار گذاشته که از راهنمایی او استفاده کند و سپاسگزار باشد یا ناسپاسی کرده و مسیر شقاوت را بپیماید: شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.



بررسی سایر گزینه‌ها، گزینه (۲): جمله «نداشتن اختیار برای انسان، امر عادی است.» نادرست می‌باشد؛ زیرا انسان موجودی مختار است.

گزینه (۳): خداوند به وسیله پیامبران راه صحیح را نشان می‌دهد، شکرگزاری انسان با انتخاب راه صحیح انجام می‌شود.

گزینه (۴): این آیه نمی‌گوید که پیامبران، شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند، بلکه می‌گوید کسی که راه صحیح زندگی را انتخاب کند، شاکر و کسی که آن را انتخاب نکند، ناسپاس است.

متن: صفحات ۵۵ و ۵۶

۱۷۹۷ گزینه «۱» آیه: انسان، ۳

خداوند، قدرت اختیار را به ما عطا کرده و از ما خواسته با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و به قله‌های کمال بررسیم؛ پیمودن پله‌های کمال. زندگی در یک جهان قانونمند، به وی امکان حرکت و فعالیت می‌دهد، زیرا او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از قوانین استفاده کند؛ برطرف نمودن نیازها، به فعلیت رساندن استعدادها

متن: صفحه ۵۶

۱۷۹۸ گزینه «۱» آیه: انسان، ۳

تعمیم اندازه، ویرگی و نقشه پدیده‌ها؛ تقدیر برخاسته از علم الهی است. موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی هستند.

متن: صفحه ۵۶

۱۷۹۹ گزینه «۲» آیه: انسان، ۳

وجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابستاًند. موجودات جهان از آن جهت که خداوند، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته‌اند.

متن: صفحه ۵۶

۱۸۰۰ گزینه «۲» آیه: انسان، ۳

اگرچه جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت و قانونمند نبود، نمی‌توانستیم با همین اطمینان خاطری که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب بزیم و در این جهان فعالیت کنیم، از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. طبق این عبارت، صحنه بزوس و ظهور اختیار انسان، آن جاست که قضا و قدرهای متفاوت او را احاطه کرده باشند و انسان با شاخت نظام قضا و قدری خداوند، حرکت اختیاری انجام دهد.

متن: صفحات ۵۷ تا ۵۹

۱۸۰۱ گزینه «۱» آیه: انسان، ۳

جوشش آب در درجه مشخص؛ تقدیر برخورداری انسان از اختیار؛ در نتیجه امر دوم برخاسته از علل طولی است.

متن: صفحه ۵۶

۱۸۰۲ گزینه «۲» آیه: انسان، ۳

هر دو مفهوم مطرح در صورت سوال، به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است و باید با توجه به مفاهیمی که از «قضايا» و «تقدیر» آموخته‌ایم به این سوال پاسخ دهیم. تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین (آفرینش) همان انجام کارها توسط مخلوقات در طول اراده الهی است. انجام کار مرتبط با قضای الهی است.

واسطه فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند نیز بیانگر انجام کارها به طور غیرمستقیم و به اذن الهی توسط فرشتگان است. انجام کارها نیز مربوط به قضای الهی است؛ زیرا در این جا، خداوند حکم و فرمان خود را از طریق فرشتگان به اجراء درمی‌آورد که همان مفهوم قضای الهی را می‌رساند.

متن: صفحه ۵۷ آیه: انسان، ۳

۱۸۰۳ گزینه «۲» آیه: انسان، ۳

با توجه به سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پنهان می‌برم.» فرار از این قضایا، امری ممکن است و می‌توان با پنهانبردن به دیواری مستحکم از آن جلوگیری کرد. این امر که کاری اختیاری است و به اختیار انسان در پرتو قضایا و قدر الهی اشاره دارد، از آیه: ﴿اتا هدینه السبیل اما شاکرا و اما کفورا﴾ برداشت می‌شود.

من: صفحه ۵۹

اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند و در طول اراده خداست، نه در عرض آن.

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه ۱۰۴ سوره انعام به این سؤال پاسخ می‌دهیم:
قد جاءكم بصائر من ربكم به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگاران به سوی شما آمد: نزول دلایل روشن بر انسان

فن اصر فتنسه پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او: اختیار انسان در قبول آن و من عین فطیها و هر کس کوردل گردد، به زبان خود اوست: اختیار انسان در رد آن

من: صفحه ۵۳

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار» انسان است. اختیار، یک حقیقت وجودانی است، نه عقلی.

من: صفحه ۵۹

بین نظام جهان و اراده انسان، رابطه طولی حاکم است. در رابطه طولی، از آن جا که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و آن عامل در عامل بعدی تأثیر می‌کند، رابطه تقدم و تأخیر برقرار است. در نتیجه اراده انسان نیز مؤخر از اراده خداوند است؛ یعنی هر چیزی که انسان، اراده نماید، ابتدا خداوند اراده کرده که او آن عمل را انجام دهد.

پس: در گزینه دیگر گفته شده: «انسان، همان را اراده می‌کند که مقدار اوست و برای او تعیین شده است.» این جمله به معنای عدم اختیار انسان است که اشتباه می‌باشد.

من: صفحه ۵۹

تأثیر یک عامل در عامل دوم برای انتقال اثرش به معلوم: علل طولی - مثال: نگارش همکاری عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه: علل عرضی - مثال: رویش گل

من: صفحه ۵۳

دو بیت مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار انسان» است؛ بنابراین باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره کرده باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): این گزینه بر اعمال غیراختیاری انسان تأکید نموده است.

گزینه (۲): شواهد اختیار را در وجود خود می‌بایس نه بیرون.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر اختیار و ویژگی‌های آن است و صحیح می‌باشد.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر تفاوت میان اعمال اختیاری و غیراختیاری است، نه تأکید بر اختیار.

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

خداوند در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران می‌فرماید: «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست، و گرنه خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند».

من: صفحه ۵۶

آیی که برای رفع تشنجی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست؛ یعنی می‌دانیم که خداوند، آب را باین ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنجی می‌شود.

آیه: انسان، ۳

اختیار، یک حقیقت وجودانی و مشهود است که هر کس آن را در خود می‌باید و نیاز به استدلال ندارد. آیه‌ای که به اختیار اشاره نموده، آیه «آنها هدینه السبيل اما شاكراً و اما كفرواً» است.

من: صفحه ۵۹

خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان، کارهایش را «با اختیار انجام دهد». تعیین کردن ویژگی انسان، بیانگر تقدیر است.

هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. حتی اگر بخواهد فرار کند باز هم یک کار اختیاری بوده چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

من: صفحه ۵۶

نقشه جهان یعنی ویژگی‌ها و حدود و موقعیت مکانی و زمانی که حاکی از تقدیر است. اجرا و پیاده کردن آن، حاکی از قضای الهی است.

من: صفحه ۵۸

مایع بودن آب: تقدیر خروج از تقدیرات الهی: ناممکن است.

آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپس گزار باشد یا ناسیپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد. پیام اصلی این آیه، اختیار انسان است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره دارد. از میان گزینه‌ها، گزینه (۱) بیانگر انتخاب است.

پس: سایر گزینه‌ها که فقط به «هدایت الهی» اشاره دارد، پاسخ صحیح نیست.

من: صفحه ۵۷ / حدیث: صفحه ۵۷

فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

من: صفحات ۵۷ و ۵۸

آیه مطرح در صورت سؤال به اختیار انسان اشاره دارد. اختیار انسان، در طول اراده خداوند است. ویژگی اختیار، یک تقدیر الهی است.

پس: جمله «اراده خداوند متعلق به تکوین و تشریع است.» یعنی اراده خداوند بر نظام آفرینش و شریعت تعلق می‌گیرد. این مفهوم ارتباطی به آیه مطرح ندارد.

من: صفحه ۵۶ / آیه: انعام، ۱۰۴

پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی یعنی به اجرا درآوردن و به انجام رساندن آنها که بیانگر قضای الهی است.

با توجه به آیه: «قد جاءكم بصائر من ربكم»: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگاران به سوی شما آمده است.» گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

من: صفحه ۵۶

انسان می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. با توجه به این جمله، توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان، معلوم معرفت به تقدیر الهی است.

از میان دو کلمه «تابع» و «متبع» اولی به معنای «به دنبال» و «دومی به معنای چیزی که از آن تعیین می‌شود» است. کلمه‌ای که به معلوم اشاره دارد، تابع است.

تقدیر الهی، برخاسته از علم الهی است.

من: صفحات ۵۶ و ۵۸

رابطه جاذبیه میان اشیا، یعنی ویژگی آن‌ها. در نتیجه تقدیر الهی است و از علم خداوند سرچشم می‌گیرد.

من: صفحه ۵۶

نظام تعیین شده میان موجودات (تعیین ویژگی‌ها و روابط میان موجودات): مقدار به تقدیر الهی است.

خلق و اجرای موجودات، مقضی به قضای الهی است. خاستگاه تقدیر، علم خداوند است.

من: صفحات ۵۶ و ۵۷

قضا برخاسته از حکم و اراده الهی است. قدر برخاسته از علم خداست.

با توجه به سخن حضرت علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» هر قضایی متناسب با تقدیر خاص است. در نتیجه تقدیر تکیه‌گاه قضایا می‌باشد.

من: صفحه ۵۶

حقیق آن: قضایا، اراده نقشه پدیده‌ها: تقدیر، علم



آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

خداؤند در آیه ۱۰۴ سوره انعام فرموده: «به راستی که دلایل روشن از جانب پورودگاران برای شما آمده است؛ پس هر که بینا گشت به سود خداوند عمل کرده و هر کس کوئی پیشه کرد، به خودش زیان رسانده است.» این آیه بر «اختیار انسان» اشاره دارد. در نتیجه مفهوم: «هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد.» صحیح است.

هم‌چنین در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران فرموده: «ذلك بما قدّمت أیديكم و ان الله ليس بظالم للعبيد»، (این عقوبته) به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

متن: صفحه ۵۷

گزینه ۱۸۲۵

برداشت نابه جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود و ما نمی‌توانیم تعییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تعییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فاایده است.

اما امیر المؤمنین را فتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

ب.ن: جمله «اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است» که در قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) آمده، جمله درستی است.

هم‌چنین فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

متن: صفحه ۱۸۲۶

گزینه ۲

تعیین و بیزگی فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان: تقدیر ریزه‌کاری‌های جهان: تقدیر

موقعیت مکانی موجودات جهان: تقدیر

آیه ﴿فَلِلَّهِ الْخَالِقُ لَكُلَّ شَيْءٍ﴾ که حاکی از ایجاد موجودات است: قضا

متن: صفحه ۱۸۲۷

گزینه ۳

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): علم الهی بر تعیین و بیزگی‌های مخلوقات تعلق می‌گیرد، نه اراده آن.

گزینه (۲): نظم حاکم بر جهان، اتفاقی نیست، بلکه ناشی از علم و حکمت الهی است.

گزینه (۳): تقدیر حاکم بر جهان خلت، قابل تعییر نیست و به پشتونه همین تقدیر ثابت، زمینه کار اختیاری انسان فراهم می‌شود.

متن: صفحه ۱۸۲۸

گزینه ۳

ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. این قضا متناسب با ویزگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است؛ اما اگر دیوار، ویزگی (تقدیر) دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد اورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

متن: صفحه ۱۸۲۹

گزینه ۲

پیام آیه اول، تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداست.

پیام آیه دوم، اختیار انسان است.

ارتباط میان این دو آیه، در حقیقت رابطه میان اراده خداوند و اختیار انسان است که در گزینه (۲) آمده: اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلی و قدرت تصمیم‌گیری دارد.

متن: صفحه ۱۸۴۰

گزینه ۳

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان، ناسارگار است؛ در حالی که میان این دو، سارگاری وجود دارد و اعتقاد به قضا و قدر الهی، عامل و زمینه‌ساز کار اختیاری انسان است.

فروریختن دیوار مست و کج، یک قضای الهی است که متناسب با ویزگی و تقدير خاص آن دیوار یعنی سستی و کجی آن است.

متن: صفحه ۵۹

گزینه ۱۸۲۵

نسبت‌دادن کل کار به هر یک از عوامل، در علل طولی مطرح می‌شود. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که حاکی از این نوع علل باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): در علل طولی، یک عامل در عامل بعدی فقط اثر می‌گذارد نه در هر یک از عوامل بعدی.

گزینه (۲): این گزینه بیانگر علل عرضی است، نه طولی.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر علل عرضی است، نه طولی.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر علل طولی است.

ارتبط مفهومی: حدیث/آیه

گزینه ۱۸۲۶

علت سخن حضرت علی علیه السلام، قانونمندی الهی و اختیار انسان در پرتو آن است.

آیه ﴿أَنَا هَدِينَاهُ التَّبِيلُ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا﴾ نیز بیانگر اختیار انسان است.

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

گزینه ۱۸۲۷

مفهوم آیه شریفه، اختیار انسان است که این مفهوم در گزینه‌های (۳) و (۴) آمده است.

با توجه به این که انسان باید براساس تفکر و تصمیم با رهنمودهای الهی مواجه شود و دست به انتخاب بزند، این آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.

متن: صفحه ۵۷

گزینه ۱۸۲۸

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسارگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی و نظم است.

برداشت نابه جای آن شخص این بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود.

متن: صفحه ۵۳

گزینه ۱۸۲۹

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجودی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌باید و می‌بیند که شباهه روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

متن: صفحه ۵۶

گزینه ۱۸۳۰

این که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویزگی‌ها و قانون‌هایی از آن خدا و از علم خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل،

نه در نقشه جهان [تقدیر] نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

متن: صفحه ۵۹

گزینه ۱۸۳۱

در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد؛ اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافع ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اراده خداوند، مقدم بر همه اراده‌ها است.

گزینه (۲): این جمله نادرست است و در هر موضوعی، واسطه‌ها و علل مختلف در آن کار دخالت دارند.

گزینه (۳): نسبت اختیار انسان و اراده الهی، مشارکت نیست، بلکه رابطه طولی حاکم است.

متن: صفحه ۵۴

گزینه ۱۸۳۲

سنجدین جوانب کار و دچارشدن به تردید: تفکر و تصمیم استواری عهده‌ها و پیمان‌ها: مسئولیت‌پذیری

متن: صفحه ۵۶

گزینه ۱۸۳۳

نقشه جهان بیانگر تقدیر است و از علم الهی سرچشمه گرفته و اجرا و پیاده کردن آن بیانگر قضای است و از اراده الهی برخاسته است. اصطلاح فرقانی

دوم یعنی قضای، هم‌مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.



لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض قطعاً برایشان برکاتی از آسمان و زمین می‌گشودیم؛ نتیجه‌ایمان و تقوا؛ برخورداری از برکات‌الهی و لكن کلیباً فاخذناهم بما كانوا يكبسون ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به (کیفر) آن‌چه مرتکب می‌شدند در غیر این صورت، گرفتار کیفر الهی می‌شوند.

متن: صفحه ۶۸، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵
گزینهٔ ۲

دستوارد (نتیجه) سنت ابتلاء و آزمایش برای انسان این است که هویت و شخصیت او ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد.

عبارت «و نبلوکم بالشّر و الخير فتنّة» بیان‌سنت ابتلاء است. پس فقط با توجه به قسمت دوم سؤال می‌توان به سوال پاسخ داد!

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵
گزینهٔ ۱

اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق، دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرستی می‌دهد و آن‌ها این فرصت را وسیله‌غوطه‌ورشدن در گناهان قرار می‌دهند، به طوری که اگر در ابتدا، اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق‌شدن در گناه است، سنت «املاه و استدراج» نام دارد. آیه «و الذين كذبوا بآياتنا سنسندر جهنم من حيث لا يعلمون» بیان‌گر این سنت است.

ارتباط مفهومی: حدیث/ آیه ۱۸۵۴

سنت بیان شده در حدیث: «من يعيش بالاحسان اكثر من يعيش بالاعمار»، تأثیر اعمال انسان در زندگی او است؛ بنابراین باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که به این سنت اشاره دارد که گزینهٔ (۳) پاسخ صحیح است: «و لو اهل القرى آمنوا و اتقوا فتحنا عليهم برکات من السماء والارض ولكن کلیباً فاخذناهم بما كانوا يكبسون»

متن: صفحه ۶۹/ آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵
گزینهٔ ۱

در «سنت ابتلاء» می‌گوییم؛ کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون ما رخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط، عقب‌ماندگی و خسaran ما را به دنبال دارد. آیه‌ای که به سنت امتحان اشاره دارد، آیه «و حسب الناس ان يتربوا ان يقولوا آمنا و هم لا يفتونون» است.

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵
گزینهٔ ۱

سنت املاء فقط حاکم بر زندگی گناهکاران است. آیه «و الذين كذبوا بآياتنا سنسندر جهنم من حيث لا يعلمون» بیان‌گر این سنت است.

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵
گزینهٔ ۴

آیه مطرح در صورت سؤال، بیان‌گر سنت «املاه و استدراج» است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که متناسب با این سنت باشد.

بررسی گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): با توجه به این سنت، مهلت خداوند برای افزایش گناهانشان است، نه نجات از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها

گزینهٔ (۲): مهلتها و امکانات در سنت املاء، به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌باشد، نه لطف الهی.

گزینهٔ (۳): این گزینه با اشاره به سنت امداد، نادرست است.

گزینهٔ (۴): این گزینه در خصوص سنت املاء صحیح است و در نتیجه پاسخ درست می‌باشد.

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵/ متن: صفحه ۷۰
گزینهٔ ۱

آیه مطرح در صورت سؤال، بیان‌گر سنت امداد است. در این سنت می‌گوییم: خداوند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر گروه را یکسان فراهم کرده است. کسی که راه حق را بر می‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به راه حق را می‌یابد و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده، همان را به دست می‌آورد. طبق این مفهوم، سنت امداد، سنتی عام است و شامل همه انسان‌ها می‌شود.

پ.ن: دو گزینهٔ دیگر بیان‌گر سنت «سبقت رحمت بر غصب» است.

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینه‌ها، گزینهٔ (۱): تقدير الهی (نه قضای الهی) در ویزگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

گزینهٔ (۲): قضا از مظاهر اراده و قدر از مظاهر حکمت الهی است و به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین، فقط مربوط به قضای الهی است.

گزینهٔ (۳): از آن‌جا که تقدير مقدم بر قضای الهی است، کل آفرینش تحت امر قدر الهی است یعنی ویزگی‌های همه‌چیز را خداوند تقدير نموده و این ویزگی‌ها قبل از ایجاد و خلق (قضای)، مقدار شده است.

گزینهٔ (۴): جهان هستی با یک اتفاق موجود نشده است، بلکه ناشی از اراده الهی است.

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

آیه: «ذلك بما قدّمت ایدیکم و ان الله ليس بظلام للعبيد» اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است.

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در علل طولی، بحث و استگی علت پایینی به علت مرتبه بالای مطرح می‌شود. گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به علت‌هایی در کنار هم نیازمند است که نتیجه نهایی ایجاد شود ولی در گزینهٔ (۴)، نوشتن حاصل کار انسان است که به ترتیب نفس انسان، ساختار عصبی بدن، دست و قلم از جمله علل طولی می‌باشند.

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

خداؤند می‌فرماید: «ذلك بما قدّمت ایدیکم» «این عقوبت»، به خاطر کردار پیشین شماست.» و این آیه به مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار اشاره دارد.

متن: صفحات ۵۶ و ۵۷

این که هر عضوی کدام کار را انجام دهد، از تقدیرات الهی است. فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد.

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

با توجه به آیه: «قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر فلسفه و من عمی فعليها»، خداوند با ارسال دلایل و رهنمودهای روش، راه بینایی و کوردلی را برای انسان باز گذاشته است و این آیه بیان‌گر «تفکر و تصمیم» از نشانه‌های اختیار انسان است.

متن: صفحه ۵۷

امیر المؤمنین آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرك و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعدة خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

ارتباط مفهومی: بیت / آیه ۱۸۴۹

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار است. همین مفهوم در آیه: «ذلك بما قدّمت ایدیکم ...» نیز آمده است.

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

اگر کسانی چنان در باطل و گناه، پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرست و نعمت می‌دهد و آن‌ها این فرصتها و نعمتها را وسیله‌غوطه‌ورشدن در گناهان قرار می‌دهند. در حقیقت، مهلتها و نعمتها با اختیار خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیکتر می‌شوند. این سنت، سنت «املاه و استدراج» نام دارد.

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۶

این سؤال را باید با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف پاسخ داد: **ولو اَنَّ الْقَرِيَّ أَمْنُوا وَاتَّقُوا وَأَنَّ مَرْدَمْ شَهْرَهَا إِيمَانَ آورَدَه وَتَقَوَّى بِيَسِّهِ می‌کرددن: ایمان و تقوای مردم**

